



## Re -correction of Golandam Comprehensive Introduction Based on version 836 AH

  Morteza Charmegi omrani<sup>1</sup>

Submitted: 16 -1- 2022 Revised: 07 -2- 2022 Accepted: 23 -2- 2022 Published: 21 -3- 2022 pp.69-90

### Abstract

The Comprehensive Introduction of the Court is the oldest, most important and most reliable document known about Hafez Shirazi. The purpose of this study is to re-read and revise this document with the help of newly found copies. This version, which has not been available to memoirists until today, was published in 836 AH. AH has been written and is kept in the library of Punjab University of Lahore with the registration number ۴۶۱۳/۱۵۶۳. To achieve this goal, first this edition is confronted with three printed manuscripts, then some of its most important advantages over the previous editions are stated. The findings of this study show that the manuscript preserved in the library of Punjab Lahore University is, on the one hand, the first and oldest manuscript that explicitly mentions the comprehensive title of the introduction to Hafez's Divan, Mohammad Gholandam. On the other hand, unlike other versions in which the date of Hafez's death and the date of the article are heterogeneous and different, in the mentioned version the date of Hafez's death and the date of the date are the same, ie: exactly the year ۷۹۱ AH. Is. In addition, with the help of this manuscript, some of the shortcomings and ambiguities in other manuscripts that have a comprehensive introduction are eliminated.

**Keyword's:** Hafez Shirazi, Comprehensive Introduction to Hafez's Divan, Mohammad Golandam, correction, Punjab University.

**CONFLICT OF INTEREST** The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by [Journal of Codicology and manuscript research](#). This is an open-access. paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0> )



1. Department of persain language and literature. payame noor university. Mashhad. Khorasan Razavi. IRAN- momraniyasin@yahoo.com



## References

- Bashir Hussain, Muhammad (1968) Catalogue of Sherani Manuscripts, First Edition, Volume One, Lahore, Punjab University Research Department.
- Ferdowsi, Ali (2008) The Ghazals of Hafez (The earliest version found from the poet's time; compiled by Ala Marandi) First Edition, Tehran, Dibayah.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad (1977) Divan, edited by Rashid Ayvazi and Akbar Behrouz, First Edition, University of Tabriz.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad (1993) Divan, edited by Mohammad Reza Jalali Nayini and Mohammad Reza Noorani Vesal, First Edition, Tehran, Sokhan.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad (1996) Divan, edited by Parviz Natel Khanlari, Two Volumes, Second Edition, Tehran, Khwarazmi.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad (2008) Divan, edited by Mohammad Qazvini and Qasim Ghani, Seventh Edition, Tehran, Asatir.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad (2015) Divan (The oldest known complete manuscript) Manuscript copy 5194, Library of Nour Osmaniye, Istanbul, Written in 801 AH, Edited by Behrouz Imani, Tehran, Miras-e Maktub.
  - Hafez, Shams al-Din Muhammad, Divan, Manuscript No. 1563/4613, Central Library of Punjab University Lahore, Nastaliq script, 836 AH, 278 pages.
  - Modarres Razavi, Mirza Mohammad Ali (1995) Reyhaneh al-Adab, Volume 2, Tabriz, Khayyam Publications.
  - Moheet Tabatabai, Seyed Mohammad (1981) A Study on the Date of Hafez's Death, Ayandeh Journal, Year Seven, Farvardin to Ordibehesht, Numbers 1 and 2, pp. 25-31.
  - Nisari, Salim (2006) The Office of Transformations in Hafez's Ghazals, two volumes, first edition, Tehran, Academy of Persian Language and Literature.
  - Nisari, Salim (2018) A Commentary on the Compilation of Hafez's Ghazals, second edition, Tehran, Academy of Persian Language and Literature.
  - Riyahi, Mohammad Amin (1995) A Stroll in the Poetry and Thought of Hafez, Second Edition, Tehran, Elmi.
  - Safa, Zabihollah (1994) History of Literature in Iran, Tenth Edition, Volume 2/3, Tehran, Ferdows.
  - Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (2018) This Alchemy of Being, 3 Volumes, Volume One, First Edition, Tehran, Sokhan.



Studies



Original Paper

Report and Review

- Tehrani, Aqa Bozorg (2004) *Al-Dhari'ah ila Tasaneef al-Shi'ah*, Volume 22 and Volume 7, First Part, Second Edition, Beirut, Dar al-Adhwa'.
- Vafaei, Mohammad Afshin (2015) "The Qasida of Mohammad Golandam, Friend and Classmate of Hafez," *Bukhara Journal*, (On the Margin of Iranology 2), No. 105, Farvardin to Ordibehesht, pp. 319-336.
- Vafaei, Mohammad Afshin (2018) "Golandam, Mohammad," *Encyclopedia of Hafez and Hafez Studies*, volume four, first edition, Tehran, Persian Orchard.
- Zarrinkoub, Abdolhossein (1995) *From the Alley of the Rakes*, Ninth Edition, Tehran, Sokhan.

doi  واکاوی تصحیح مقدمه جامع دیوان حافظ، محمد گل اندام 

بر اساس نسخه خطی مورخ ۸۳۶ ه.ق. دانشگاه پنجاب لاهور

مرتضی چرمگی عمرانی  

از صفحه ۶۹ تا صفحه ۹۰ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

## چکیده:

مقدمه جامع دیوان، کهن‌ترین، مهم‌ترین و معتبرترین سند شناخته‌شده درباره حافظ شیرازی است. هدف از انجام این پژوهش، بازخوانی و تصحیح مجدد این سند، به کمک نسخه‌ای نویافته است. این نسخه که تا به امروز در دسترس حافظ‌شناسان نبوده، در سال ۸۳۶ ه. ق. کتابت شده است و با شماره ثبت ۱۵۶۳ / ۴۶۱۳ در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می‌شود. برای دستیابی به این هدف، نخست این نسخه، با سه دست‌نویس چاپ شده مقابله شده، سپس برخی از مهم‌ترین برتری‌ها و مزیت‌های آن بر نسخه‌های قبلی بیان گردیده است. دستاوردهای این تحقیق نشان می‌دهد که نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، از یک طرف اولین و قدیمی‌ترین دست‌نویسی است که به‌صراحت، نام جامع مقدمه دیوان حافظ، محمد گل اندام، در آن ذکر شده است. از سوی دیگر، خلاف دیگر نسخه‌ها که در آن‌ها تاریخ وفات حافظ و ماده تاریخ، ناهمسان و مختلف است، در نسخه مذکور تاریخ وفات حافظ و ماده تاریخ یکسان، یعنی: دقیقاً سال ۷۹۱ ه. ق. است. افزون بر این‌ها، به کمک این دست‌نویس، برخی از نقایص و نکات مبهم موجود در سایر نسخی که مقدمه جامع را دارند، برطرف می‌شود.

## کلیدواژه‌ها:

حافظ شیرازی، مقدمه جامع دیوان حافظ، محمد گل اندام، تصحیح.

**Cite this article:** Charmegi omrani, Mortaza. (2022). Re -correction of Golandam Comprehensive Introduction Based on version 836 AH. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-1, Issue-1, 69-90.  
<https://doi.org/10.22034/crtc.2022.342732.1005>

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور. مشهد. خراسان رضوی. ایران - momraniyasin@yahoo.com



## مقدمه:

مقدمه مختصر جامع محمد گل اندام بر دیوان حافظ - که امروز هم اصالت و هم هویت نویسنده اش بر حافظ‌شناسان ثابت شده - برای کسی که بخواهد «مهم‌ترین سند زندگی حافظ» را مرور کند، بسیار در خور توجه است؛ این مقدمه اندکی بعد از وفات خواجه شیراز، به قلم دوست او یعنی محمد گل اندام به رشته تحریر درآمد و بیش از «هر مأخذ دیگری نکته‌های ارزنده درباره زندگی شاعر و دقایق و ظرایف شعر او و ارزش و اعتبارش در نظر طبقات مختلف مردم آن روزگار و رواجش در اطراف و اکناف کشورها دارد.» (ریاحی، ۱۳۷۴: ۴۴۵)

ما در این مقاله بدون هیچ قضاوت و داوری در پی آنیم تا مقدمه جامع دیوان حافظ را بر اساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور با سه نسخه چاپ شده مورخ ۸۰۱ ق، ۸۲۴ ق، ۸۳۶ ق و مقدمه مصحح علامه قزوینی مقابله کنیم و داوری آن را به پژوهندگان واگذاریم. نسخه دانشگاه پنجاب در مقدمه جامع ۱۵۹ مورد با نسخ چاپ‌شده این مقدمه، اختلاف دارد. تا به حال این نسخه از نگاه حافظ‌پژوهان به دور مانده و در هیچ یک از چاپ‌های مقدمه جامع دیوان حافظ مورد استفاده قرار نگرفته است.

## پیشینه نسخه‌های خطی مقدمه جامع:

آنچه از مقدمه علامه قزوینی در تصحیح دیوان حافظ به دست می‌آید این است که از مجموع یازده نسخه خطی که علامه در تصحیح مقدمه از آن استفاده کرده، چهار نسخه جزو نسخه دسته اول تصحیح مقدمه جامع و هفت نسخه جزو نسخه دسته دوم ایشان بوده که به طور خلاصه به‌قرار زیرند:

## نسخ دسته اول: (به‌عنوان نسخه اساس این مقدمه)

علامت اختصاری نسخه	ملاحظات
حن	بی تاریخ، ظاهراً اواخر قرن ۱۱
هندی	بی تاریخ، ظاهراً اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳
دبیر خاقان	بی تاریخ، (علامه گفته باید قبل ۹۲۱ ق باشد؟)
باء	قرن یازده، برخی اوراق مربوط به سال ۱۲۳۸ ق



## نسخ دسته دوم: (نسخ کمکی)

علامت اختصاری نسخه	ملاحظات
ی	بدون تاریخ، ظاهراً اواسط قرن ۱۱
تقوی ۱	تاریخ کتابت ۱۲۳۶ ق، نام محمد گل اندام در نسخه موجود است
تقوی ۲	تاریخ کتابت ۱۱۱۲ ق
نواب	تاریخ کتابت ۱۲۵۱ ق، نام محمد گل اندام در نسخه موجود است
الف	بی تاریخ، نام محمد گل اندام در نسخه موجود است
سپه	تاریخ کتابت ۱۰۴۷ ق، نام محمد گل اندام در نسخه موجود است و همین نسخه قدیمی‌ترین نسخه تاریخ دار قزوینی است که نام گل اندام را دارد
ملک	اواخر قرن ۱۰ یا اوایل قرن ۱۱

باتوجه به دو جدول فوق، نسخ دسته اول هیچ کدام تاریخ کتابت ندارد و اظهار نظری که علامه درباره تاریخ کتابت نسخه دبیر خاقان {۹۲۱ق} (ص ۵۳ مقدمه) آورده، به نظر می‌رسد چندان با واقعیت منطبق نیست. (نیساری، ۱۳۹۷: ۲۶، پانوش) نکته دوم اینکه ظاهراً از بین نسخ یازده گانه، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار مربوط به ۱۰۴۷ ق است و سایر نسخ مقدمه جامع، از قرن یازده تا سیزده قمری در نوسانند.

پس از چاپ قزوینی در سال ۱۳۲۰ ش، از دیوان حافظ نسخه‌های قدیمی‌تری به دست آمد که مقدمه جامع را در بر دارد؛ برخی حافظ‌پژوهان به آن اشاره کرده‌اند. (خانلری، ۱۳۷۵: ۱۱۴۵/۲؛ نیساری، ۱۳۹۷: ۲۵)

به‌طورکلی اقدم نسخی که مقدمه جامع دیوان حافظ را دارند و تا کنون به چاپ رسیده و نسبت به نسخه پنجاب از حیث تاریخ کتابت به حافظ نزدیک‌ترند به قرار زیر است:

نسخه	تاریخ کتابت	محل نگهداری نسخه	ملاحظات
نور عثمانیه	۸۰۱ ق	کتابخانه نورعثمانیه استانبول	کاتب: غیاث ابرقویی، ۱- قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده که مقدمه جامع را دارد ۲- نام نویسنده مقدمه جامع در این نسخه



نیست ۳- تاریخ وفات حافظ با حروف عربی ۷۹۱ ق است اما ماده تاریخ سال ۷۹۲ ق است ۴- این نسخه ۳۸ مورد افتادگی در کلمه و جمله دارد			
کاتب: محمد بن سعید بن عبدالله قاری، ۱- در سال ۱۳۵۰ به‌وسیله دکتر نظیر احمد و جلالی نائینی در تهران چاپ شده ۲- از آغاز مقدمه یک ورق افتادگی دارد ۳- نام جامع دیوان در نسخه نیست ۴- تاریخ وفات حافظ با حروف عربی ۷۹۱ ق است اما ماده تاریخ سال ۷۹۲ ق است	شهر گورک‌پور هند	۸۲۴ ق	سید علی هاشم سبزپوش
۱- سه ورق اول افتادگی دارد. ۲- نام نویسنده مقدمه جامع در نسخه نیامده ۳- تاریخ وفات حافظ با حروف عربی ۷۹۱ ق است اما ماده تاریخ سال ۷۹۲ ق است (نیساری، ۱۳۸۵: ۵۱)	کتابخانه شخصی	۸۳۶ ق	اصغر مهدوی <sup>۳</sup>
۱- این نسخه فاقد افتادگی است ۲- اولین نسخه‌ای است که نام نویسنده مقدمه جامع به‌صراحت در آن آمده است ۳- تاریخ وفات حافظ با حروف عربی ۷۹۱ ق و دو ماده تاریخ آن هم این سال را تأیید می‌کند.	لاهور	۸۳۶ ق	کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور
عبارت‌های آن مشحون از غلط‌های فاحش است ۲- نام نویسنده مقدمه جامع در این نسخه نیست ۳- تاریخ وفات حافظ با		۹۲۱ ق	کتابخانه بریتیش میوزیوم

<sup>۳</sup> استاد سلیم نیساری در کتاب مصحح خود مقدمه جامع را براساس نسخ مورخ ۸۲۴ گورک‌پور، ۸۳۶ و ۸۶۴ دکتر اصغر مهدوی نیز نسخ ۸۹۳، ۹۶۳ و ۹۸۴ ق مجلس بازخوانی کرده است. (ایمانی، ۱۳۹۴: ۴۰)



عدد ۷۹۰ و ماده تاریخ چیز دیگری است که هر دو غلط است (خانلری، ۱۳۷۵: ۱۱۴۶/۲)			
--	--	--	--

با توجه به جدول فوق، نسخه دانشگاه پنجاب از حیث تاریخ کتابت در رتبه سوم و هم‌تراز نسخه دکتر مهدوی است اما با سه تفاوت اساسی و مهم: اول اینکه نسخه مذکور به هیچ‌عنوان افتادگی ندارد. دیگر اینکه اولین نسخه‌ای است که نام نویسنده مقدمه جامع به‌صراحت در آن آورده شده و سه دیگر اینکه تاریخ وفات حافظ هم با عدد و هم در دو ماده تاریخ آورده شده در این نسخه، یکسان است یعنی دقیقاً سال ۷۹۱ ق؛ اما در نسخ دیگر این ناهمسانی و اختلاف در جمله عربی و ماده تاریخ کاملاً آشکار است.

با توجه به جدول آینده، در حال حاضر نسخه دانشگاه پنجاب، قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که نام محمد گل‌اندام به‌صراحت در متن مقدمه بعد از عبارت «مُسَوِّدِ این ورق...» («اقل انام محمد گل‌اندام» آورده شده است. جدای از نسخ فوق برخی از معاصرین برین باورند «قدیمی‌ترین دست‌نویس که تا کنون از این دیباچه با ذکر نام گل‌اندام شناسایی شده، دست‌نویس شماره ۷۴/ژژح/حرا در کتابخانه دولتی بایرن در مونیخ مورخ ۹۴۱ ق است.» (وفایی، محمد افشین، ۱۳۹۷: ۴/۲۰۸۶) همین نویسنده در جایی دیگر آورده «...قدیمی‌ترین نسخه‌ای که تاکنون با نام گل‌اندام شناسایی کرده ام نسخه شماره vat.rers.35 مورخ ۹۷۵ است.»؟ (همو، ۱۳۹۴: ۳۱۹-۳۳۶)

قدیمی‌ترین نسخ مقدمه جامع که نام گردآورنده به‌صراحت در آن آورده شده، به ترتیب قدمت به قرار زیر است:

نسخه	شماره نسخه	تاریخ کتابت	ملاحظات
دانشگاه پنجاب	۴۶۱۳/۱۵۶۳	۸۳۶ ق	اولین نسخه است که نام نویسنده مقدمه جامع در آن آمده است.
مجلس شورای اسلامی	۲۳۹۳	۸۹۳ ق	اما قلم این مقدمه و ۱۲ صفحه متن به خط دیگری است احتمال دارد از قرن دهم قدیمی‌تر نباشد. (نیساری، ۱۳۸۵: ۲۵)
مجلس شورای اسلامی	۲۳۹۵	۹۸۴ ق	نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد (همان، ۲۶)



نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد (همان، ۲۶)	۹۹۴ ق		ستایشگر
نسخه مورد استفاده قزوینی، نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد.	۱۰۴۷ ق	کتابخانه مدرسه سپهسالار	سپه
نسخه مورد استفاده قزوینی، نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد.	۱۲۳۶ ق	حاج سید نصرالله تقوی	تقوی ۱
نسخه مورد استفاده قزوینی، نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد.	۱۲۵۱ ق	محمد حسین نواب	نواب
نسخه مورد استفاده قزوینی، نام محمد گل‌اندام در این نسخه وجود دارد.	بی تاریخ	کتابخانه ملی تهران	الف

### مقدمه جامع، اصالت و اهمیت آن در شناخت حافظ و رفع برخی از ابهام‌ها:

مقدمه گل‌اندام «مهم‌ترین سند زندگی‌نامه حافظ است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۲۸/۱) «از همین گزارش اجمالی می‌توان اطمینان حاصل کرد خواجه شیراز با تمام معارف عصر خویش از علوم قرآنی گرفته تا علوم حدیث و سپس علوم ادب عرب و معارف عقلی عصر خویش (منطق، فلسفه و کلام) و متون نظم ادبیات عرب در بالاترین درجه آن وقوف داشته است و متون اصلی این علوم را که در آن روزگار برنامه رسمی مدارس عصر بوده نزد استادانی از طراز قوام‌الدین عبدالله شیرازی (متوفی ۷۷۲ق) آموخته بوده است.» (همان: ۲۳۴-۲۳۵)

امروز مقدمه جامع دیوان «که هرگونه غبار تردید در اصالت آن از میان برخاسته، کهن‌ترین و معتبرترین نوشته درباره حافظ است و چند نکته نادر مهم درباره خواجه شیراز و شعر و اندیشه او دارد.» (ریاحی، ۱۳۷۴: ۴۲۱)

تقریباً تمام حافظ‌پژوهان معاصر در اصالت و حتی هویت نویسنده مقدمه جامع تردیدی ندارند «علامه قزوینی با اینکه مقدمه منسوب به محمد گل‌اندام را در هیچ یک از نسخ اساس خود نیافته، با وجود این در صحت انتساب آن به تدوین‌کننده دیوان تردیدی به خود راه نداده و آن را از روی نسخه‌ای بسیار جدیدتر چاپ کرده است.» (همان: ۴۷۱؛ شفیی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۴۵/۱ نیز خانلری، ۱۳۷۵: ۱۱۴۷/۲؛ نیساری، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۹) در تراجمی همچون ریحانة‌الادب والذریعه، محمدگل‌اندام به عنوان نویسنده مقدمه و جامع دیوان حافظ معرفی شده است. (ریحانه‌الادب، ۱۳۸۴: ۸۰۸/۲؛ الذریعه، ۲۰۰۴م: جلد ۲۲/ ۶۱ و جلد هفتم قسم الاول: ۲۲۲)

ما در ادامه صرفاً به نقل دو ضبط مهم و بحث برانگیز نسخه دانشگاه پنجاب می‌پردازیم. اول: سال مرگ حافظ؛ دوم:



آوردن نام نویسنده مقدمه جامع در متن نسخه .

اول: اقدام نسخی که سال وفات حافظ را ۷۹۱ ق ضبط کرده اند، به قرار زیرند :

نسخه	تاریخ وفات	ماده تاریخ
۸۰۱ ق (نورعثمانیه)	سنه احدى وتسعين وسبع مائه	به سال با وصاد و ذال ابجد (۷۹۲ق)
۸۲۴ ق (گورکھپور)	سنه احدى وتسعين وسبع مائه	به سال با وصاد و ذال ابجد (۷۹۲ق)
۸۳۶ ق (مهدوی)	سنه احدى وتسعين وسبع مائه	به سال با وصاد و ذال ابجد (۷۹۲ق)
۸۳۶ ق (پنجاب)	سنه احدى وتسعين وسبع مائه	به سال الف وصاد و ذال ابجد (۷۹۱ق)

نسخه بریتیش میوزیوم مورخ ۹۲۱ ق «تاریخ وفات را با عدد ۷۹۰ ق و ماده تاریخ را {به سال با وصاد و ذال ابجد} ضبط کرده که هر دو غلط است.» (خانلری، ۱۳۷۵: ۱۱۴۶/۲) از نسخ یازده‌گانه علامه قزوینی که این ماده تاریخ را داشته، تنها دو نسخه از نسخ دسته دوم به نام‌های نواب با تاریخ کتابت ۱۲۵۱ و ملک با تاریخ کتابت (اواخر قرن ۱۰ و اوایل سده ۱۱ قمری) مطابق متن مصحح ایشان بوده (یعنی سال ۷۹۲ ق) و جالب اینکه سه نسخه از نسخ دسته اول ایشان یعنی «نسخه هندی و دبیر خاقان و حن، اصل این ابیات را ندارند و در نسخه با، ضبط آن به کلی غلط است.» (پانوشت ص ۷۵ مقدمه قزوینی) چاپ قدسی ماده تاریخ را این‌گونه ضبط کرده: به سال ذال و صاد و حرف اول؛ که مطابق حساب جمل سال ۷۹۱ ق خواهد بود. هر چند علامه قزوینی این ضبط را «بر خلاف اجماع جمیع نسخ خطی و چاپی» دانسته‌اند؟! (همان: ۷۵)

ما در مقاله حاضر در پی اثبات یا رد سال مرگ حافظ در ۷۹۱ ق یا ۷۹۲ ق نیستیم، زیرا بسیاری از صاحبان تذکره و معاصرین به این مقوله پرداخته‌اند. (صفا، ۱۳۷۳، ۳/۲: ۱۰۷۰؛ جلالی نایینی، ۱۳۷۲: ۸؛ ایمانی، ۱۳۹۴: پانوشت ص ۳۹ نیز دانشنامه حافظ و حافظ‌پژوهی، ۱۳۹۷: ۸۰۷/۲) هر چند برخی از معاصرین به تصریح یا تلویح سال مرگ حافظ را ۷۹۱ ق دانسته‌اند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۲۳/۱؛ زرین کوب، ۱۳۷۴: ۱۷۴؛ نیساری، ۱۳۹۷: ۱۶ و ۳۱؛ محیط طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲۵) اما نکته مهم این است که هم علامه قزوینی و هم دیگران که سال وفات خواجه را سال ۷۹۲ ق دانسته‌اند، ظاهراً مستندشان همین ضبط متن مصحح علامه قزوینی بر اساس نسخه‌های آن روزگار و چند کتاب تاریخی و تذکره بوده است؛ حال با توجه به اینکه پس از علامه، چهار نسخه که تا به حال قدیمی‌ترین نسخ در بردارنده مقدمه جامع‌اند، سال مرگ حافظ را به صراحت ۷۹۱ ق ضبط کرده‌اند، به نظر می‌رسد سال ۷۹۲ ق را باید به دیده تردید پذیرفت. (البته سه نسخه ماده تاریخ با عبارت عربی یک سال اختلاف دارد.) از دیگر سوی عده‌ای با ادله خود برین باورند که «حافظ در اواخر سال ۷۹۱ ق بیمار شده و در آغازین روزهای محرم سال ۷۹۲ ق از دنیا رفته است.» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۵۲)

حال نسخه مورد بحث ما، اگرچه به لحاظ داشتن مقدمه جامع، سومین نسخه به لحاظ قدمت است، اما از حیث عدم افتادگی {برگ، کلمه، جمله و ناخوانایی} و اینکه سال وفات حافظ و دو ماده تاریخ آن دقیقاً سال ۷۹۱ ق است، در رتبه



نخستین نسخه‌ی است که مقدمه جامع را دارند.

سال وفات حافظ با عبارت عربی در نسخه ما به قرار زیر است:

«... تا در تاریخ شهرور احدى و تسعين و سبع مائه هجریه، ودیعت حیات را به موکلان قضا و قدر سپرده...» (برگ ۴).

ماده تاریخ به قرار زیر است:

به سال ألف و صاد و ذال ابجد      ز روز هجرت میمون احمد

(برگ ۴، سطر ۴-۵)

دوم: آوردن نام نویسنده مقدمه جامع در متن نسخه:

نسخه ما به لحاظ داشتن نام جامع دیوان حافظ، جزو اولین و قدیمی‌ترین نسخ است. به عبارت دیگر اگر در نسخ مورخ ۸۲۴، ۸۰۱، ۸۳۶ و ۹۲۱ که تا به حال جزو کهن‌ترین نسخ مقدمه جامع اند، نام محمد گل اندام در آنها نیست، اما نسخه مورد نظر ما، نام محمد گل اندام را دارد و این نکته درخور توجه است.

عبارت نسخه ۸۰۱ ق و ۸۲۴ ق و مقدمه علامه به قرار زیر است:

«و مسؤد این ورق عفا الله ماسبق در درسگاه ...» (ایمانی، ۱۳۹۴: ۵۶؛ جلالی نائینی و دیگران، ۱۳۷۲: ۴۷؛ قزوینی،

۱۳۸۷: ۷۳).

نسخه ۸۳۶ و ۹۲۱ هم این عبارت را ندارند.

عبارت مقدمه جامع در نسخه ما به قرار زیر است:

«... مسؤد این ورق عفی الله عنه ماسبق اقل انام، محمد گل اندام در درسگاه دین پناه...»

(برگ ۴، سطر ۸)

ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه‌ای که شادروان قزوینی از مقدمه دیوان با نام جامع یعنی محمد گل اندام در اختیار داشته، نسخه‌ای بوده مورخ به ۱۰۴۷ هـ...» (عیوضی و...، ۲۵۳۶): پانوشت صفحه ۵). مرحوم دکتر جلالی نائینی در پی نوشت مقدمه جامع ذیل شماره ۹۲ آورده است: «در غالب نسخ خطی مکتوب در سده دهم هجری به بعد نام جامع دیوان قید شده است از آن میانه در نسخه خطی ستایشگر (مورخ ۹۹۴) که از آن عکس برداری شده، چنین مسطور است: «مسؤد این ورق عفی الله تعالی عنه ماسبق اقل انام محمد گل اندام در دستگاه دین پناه...» (نائینی، ۱۳۷۲: ۵۳).

بنابراین اگر در نسخ مورد استفاده مرحوم قزوینی نامی از محمد گل اندام نیامده و آن دانشی مرد در اصلت این نام تردید کرده بود، اما با پیدا شدن سندی معتبر این تردید از بین رفت و «مسلم شد که نام محمد گل اندام جعلی نیست و در میان معاصران خواجه کسی به این نام وجود داشته» (خانلری، ۱۳۶۵: ۱۱۴۷) مرحوم خانلری درباره صحت این نام و سند یافته شده در دیوان مصحح خود به تفصیل بحث کرده است (رجوع کنید به خانلری، ۱۱۴۷؛ نیز عیوضی ۲۵۳۶؛ پانوشت صفحه



۵ مقدمه).

سعی ما در این مقاله صرفاً تصحیح و بازخوانی مقدمه جامع بوده نه داوری یا قضاوت درباره دگرسانی‌های نسخه یا برتری آن بر دیگر ضبطها، اما با توجه به این مقایسه، برخی ضبطها که در نسخه مورد بحث ما آمده در برابر سایر نسخ، قابل توجه و تأمل‌اند.

از باب نمونه، برخی از این اختلافها ذکر می‌شود:

جان را ز لفظِ عَذْب، غذای لطیف داد  
دل را مفرّحی ز سخن در بیان نهاد

(برگ اول، صفحه ۲، سطر اول)

نسخ مورخ ۸۲۴ و ۸۳۶ به دلیل افتادگی اوراق این بیت را ندارند، نسخه قزوینی به جای واژه (لفظ) واژه (لطف) آورده است. نسخه نورعثمانیه هم مانند نسخه ماست.

- «**اما بعد** بر نقادان **رسته** بلاغت و جوهریان روز بازار فضل و براعت و نامداران خطه سخن و شعر، پوشیده

**نماند**» (برگ ۲، سطر ۱۴)

نسخه قزوینی واژه (اما بعد) را ندارد. نسخه مورخ ۸۲۴ به جای واژه (رسته) واژه (رشته) را آورده، نسخه مهدوی این واژه را به دلیل افتادگی اوراق ندارد. در نسخه قزوینی (۸۲۷ ق) واژه (رشته) آمده اما وی با استفاده از نسخه ملک (بدون تاریخ ظ قرن دهم یا یازدهم: ص ۵۶ مقدمه) رسته را جایگزین رشته کرده است (رجوع کنید به پانوشت ص ۶۵ مقدمه جامع قزوینی). نسخه مهدوی هم به علت افتادگی اوراق فاقد عبارات فوق است. نسخه نور عثمانیه هم ضبط رشته را آورده است. نمونه‌ای دیگر:

- «و **مساغیر** صف قتال هنگام تحدی و جدال از معارضه و مقابله...»

(برگ ۲، سطر ۱۱)

نسخه ۸۲۴، و قزوینی [و مشاهیر صف قتال] آورده است. نسخه ۸۳۶ به علت افتادگی اوراق این عبارت را ندارد. به گمان نگارنده این سطور این واژه در نسخه مورخ ۸۰۱ ق هم باید مساغیر باشد و مصحح محترم به اشتباه، مشاهیر را در متن آورده است. (ایمانی، ۱۳۹۴: ۵۴؛ برگ اول نسخه سطر ۱۴)

مرحوم علامه قزوینی در پانوشت صفحه ۶۴ مقدمه درباره عبارت فوق آورده: «چنین است در ی و حن؛ در اغلب نسخ این سه کلمه بسیار محرّف و فاسد است.» (قزوینی، ۱۳۸۷: ۶۴).

با توجه به ضبط (مساغیر) معنی جمله رساتر و کامل‌تر است. این واژه در لغت نامه دهخدا جمع مسعار است «به معنی برانگیزندگان شدت‌های حرب و اشتعال نایره آن» (لغت‌نامه دهخدا ذیل مدخل «مساغیر»).



## شیوه تصحیح:

در مقاله حاضر، مقدمه جامع دیوان حافظ بر اساس نسخه محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور بازخوانی شده است؛ بدین معنا که نسخه پنجاب با نسخه نور عثمانیه به نشانه اختصاری «ن»، نسخه سید هاشم علی سبزیوش به نشانه اختصاری «س»، نسخه دکتر اصغر مهدوی به نشانه اختصاری «م» و نیز مقدمه جامع مصحح علامه قزوینی به نشانه اختصاری «ق» تصحیح و بازخوانی شده است. سعی ما در این تصحیح برین بوده تا مقدمه جامع را علاوه بر مقدمه جامع مصحح قزوینی، حتی‌المقدور با نسخی مقابله کنیم که آن نسخ از حیث تاریخ کتابت، مقدم بر نسخه دانشگاه پنجاب‌اند.

## نسخه‌شناسی:

این نسخه به شماره ۴۶۱۳/۷۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور نگهداری می‌شود، اطلاعات نسخه‌شناسی به قرار زیر است: «طول کاغذ: ۲۷ سانتیمتر، عرض ۱۵/۵ س، تعداد برگ‌ها: ۲۷۷، تعداد سطور در هر برگ: ۱۵، نوع خط: نستعلیق» (بشیر حسین، ۱۹۶۸، م: ۱۱۳/۱). این نسخه به تفصیل طی مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «معرفی نسخه خطی دیوان حافظ مکتوب به سال ۸۳۶ق» در نشریه شبه‌قاره فرهنگستان شماره ۱۰ به چاپ رسیده است. (چرمگی، عمرانی، مرتضی و سلیم مظهر، ۱۳۹۹: ۱۶۵)

## متن مقدمه جامع دیوان حافظ (نسخه دانشگاه پنجاب لاهور)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ بِي حَدِّ وَ ثَنَاءٌ بِي عَدَاً<sup>۱</sup> وَ سِپَاسٌ بِي قِيَاسٍ، مَرَّ<sup>۲</sup> حَضْرَتِ خِداوِی رَا کِه جَمْعِ دِیوانِ حَافِظانِ رَا<sup>۳</sup> اَرزاقِ، بِه پِروانهُ سُلطانِ ارادتِ وَ مَشِیَّتِ<sup>۴</sup> اوست: بِي مَانَدِی کِه رَفَعِ بُنِیانِ اِیوانِ<sup>۵</sup> سَبْعِ طِباقِ، نَشَأُ<sup>۶</sup> عِرْفانِ<sup>۷</sup> وَ حَکْمَتِ بِي عِلَّتِ<sup>۸</sup> او<sup>۸</sup>. حَکِیمِی کِه طوطی شکرخایِ ناطقهُ انسانی رَا در مُحاذاتِ آئینهُ تَأَمَّلِ عِرایسِ مَعانی، بِه اِدايِ دَلگِشایِ «انَّ مِنَ البِیانِ لَسِحْرًا»<sup>۹</sup> گویا کَرْد؛ عِلِیمِی کِه بَلِبلِ دَسْتانِ سِرایِ خُوشِ نوایِ زَبانِ رَا در قَفصِ تَنگِ دِهانِ بِه قُوتِ اَذْهانِ، در تَرنُّمِ وَ تَنعِیمِ<sup>۱۰</sup> «انَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِکْمَةٌ» اُورِد.

آن <sup>۱۱</sup> بنده پروری که زبان در دهان نهاد	دُرّ کلام در صدف هر زبان نهاد
قدرش، مکان و پایه خود را قیاس کرد	دستِ جلال مرتبه بر لامکان نهاد <sup>۱۲</sup>
جان را ز لفظ <sup>۱۳</sup> عَذب، غذای لطیف داد	دل را مُفَرَّحی ز سخن در بیان نهاد
در بحر سینه، دُرّ معانی پیروید	در کانِ طبع، لعلِ سخن، بیکران نهاد

و<sup>۱۴</sup> جواهر منظوم صلواتِ بی نهایت<sup>۱۵</sup> و زواهر منشور تحیاتِ بی غایت<sup>۱۶</sup>، نثارِ روحِ پرفتوحِ صدرِ مشروحِ زبانِ آوری، که ندایِ جانِ فزای<sup>۱۷</sup> «أنا أفصحُ العَرَبِ وَالعَجَمِ» به مَسامعِ<sup>۱۸</sup> مجامعِ عالمیان و آدمیان رسانید و از شمیمِ نسیمِ روحِ پرورِ آن، روحِ



الْقُدْسِ<sup>۱۹</sup> «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، مَشَامِ جَانِ زَنْدِه دِلَانِ هَر<sup>۲۰</sup> دُو جِهَانِ رَا<sup>۲۱</sup> مَعَطَّرَ وَ مَرُوحَ گِرْدَانِيدِ<sup>۲۲</sup>. سِرِ زَلْفِ عَرُوسَانِ سَخْنِ رَا بَه دَسْتِيَارِي «أَنَا<sup>۲۳</sup> أُوتِيْتُ الْقُرْآنَ وَ مِثْلَهُ مَعَهُ» حُسْنِ بِيَانِ اَو بِيَارِاسْتِ<sup>۲۴</sup> وَ گُوشِ<sup>۲۵</sup> وَ گِرْدَنِ دِلْهَا رَا بَه دُرِّ فَرَايِدِ جَانِ فَزَائِي وَ عُزْرِ فَوَائِدِ مُعْجَزَنَمَائِي «أُوتِيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ» لَفْظِ گَهْرَبَارِ اَو پِيرِاسْتِ<sup>۲۶</sup>. اَعْنَى: جِنَابِ رِسَالَتِ مَآبِ، خَوَاجَه كِشُورگِشَايِي<sup>۲۷</sup> وَ دِيَاجَه دِفْتَرِ سَخْنِ آرَايِي، صَادِقِ بَرَهَانِ «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ»، صَاحِبِ دِيَوَانِ «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ»، صَدْرِ جَرِيدَه أَنْبِيَا وَ<sup>۲۸</sup> بَيْتِ الْقَصِيدَه أَصْفِيَا، مُكْرَمِ<sup>۲۹</sup> مَجْتَبِي، مُحَمَّدِ مِصْطَفَى، عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ وَ أَكْمَلُ التَّحِيَّاتِ<sup>۳۰</sup>.

چشم و چراغ جمع رسل، هادی سُبُل  
سلطان چاربالش ایوانِ اصطفای<sup>۳۱</sup>  
گنجینه<sup>۳۲</sup> حقایق اسرار کائنات  
مجموعه مکارم اخلاق انبیا<sup>۳۳</sup>  
دستش محیط جود و دلش<sup>۳۴</sup> کیمیای علم  
نطقش<sup>۳۵</sup> مکان صدق و دلش، معدن صفا

و درود فراوان<sup>۳۶</sup> و تحیاتِ بی پایان بر ارواحِ طیبه و اشباحِ طاهره جماهیرِ آل و اصحاب و مشاهیرِ رجال و<sup>۳۷</sup> آحابِ او باد!  
تا<sup>۳۸</sup> سمند خوش خرامِ عبارت و رخسِ تیزگامِ مجاز و استعارتِ رازینِ تزیین نهاده اند<sup>۳۹</sup> و در میدانِ بیان، جَوْلانِ نموده اند<sup>۴۰</sup>  
و به چوگانِ فصاحت و بلاغت، گوی هنر پروری<sup>۴۱</sup> و سخن دانی<sup>۴۲</sup> از مصاقِعِ خطبا<sup>۴۳</sup> و ادبایِ آقاصی<sup>۴۴</sup> و آدانی در ربوده و<sup>۴۵</sup> تا  
صدایِ صیتِ رسالت و ندایِ صوتِ صولت<sup>۴۶</sup> جالالت «محمّد<sup>۴۷</sup> (صلعم) رسولُ اللّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، به گوش  
هوشِ فصحایِ اطرافِ عالم و بُلغایِ آکنافِ اُمَم در داده اند<sup>۴۸</sup>، سَنانِ<sup>۴۹</sup> لِسَانِ مَقَالِ وَ تِیغِ زَبَانِ بِيَانِ اَز هَيْبَتِ جَلالِ نَبُوتِ در  
غَمْدِ کلالِ<sup>۵۰</sup> نَبُوتِ بماند و مَساعیرِ<sup>۵۱</sup> صَفِّ قِتالِ<sup>۵۲</sup>، هَنگامِ تَحَدّی و جدال، از مُعارضه و مقابله ایشان، چادرِ<sup>۵۳</sup> عجز و اِبتِهالِ  
بر<sup>۵۴</sup> رُویِ قیل و قال کشید<sup>۵۵</sup>.

مستغرقِ درود و ثنا، باد روحشان  
تا روز را فروغ بُود، شمس را ضیا<sup>۵۶</sup>

اما<sup>۵۷</sup> بعد بر نقادانِ رسته<sup>۵۸</sup> بلاغت و جوهریانِ روزبازارِ فضل و بَراعت و<sup>۵۹</sup> نامدارانِ خطّه سخن و شهسوارانِ عرصه ذکا و  
فِظَن و<sup>۶۰</sup> سالکانِ مَسالکِ نظم و نثر و مالکانِ<sup>۶۱</sup> ممالکِ دقایقِ شعر، پوشیده نماند<sup>۶۲</sup> که گوهر سخن در اصل خویش، سخت  
قیمتی و باصفاست<sup>۶۳</sup> و کلام منظوم در نفسِ خود<sup>۶۴</sup>، عظیمِ نفیس و گرانبهاست که<sup>۶۵</sup> در دُکَانِ امکان، هیچ متاعی ازو  
گرانمایه تر نتوان خرید و در بازارِ آدوار، هیچ بضاعتی<sup>۶۶</sup> ازو با رفعت تر نتوان دید.

صیرفی<sup>۶۷</sup> خرد را نقدی از آن عزیزتر، به دست دل درنیاید<sup>۶۸</sup> و نقش بندِ فکرت را صورتی<sup>۶۹</sup> زیباتر ازو در پرده خیال، روی<sup>۷۰</sup>  
نماید. و<sup>۷۱</sup> وزن و مقدار این دُرّ شاهوار نداند<sup>۷۲</sup>، اِلّا خردمند<sup>۷۳</sup> کامل؛ و قدر و اعتبار این نقدِ تمام عیار شناسد<sup>۷۴</sup>، اِلّا صیرفی  
عاقل<sup>۷۵</sup>.

گر بُدی گوهری و رای سخن<sup>۷۶</sup>، آمدی ز آسمان بجای سخن<sup>۷۷</sup>

«وَهُوَ مِيدَانٌ لَا يُقَطَّعُ إِلَّا بِسَوَابِقِ الْأَذْهَانِ وَ مِيزَانٌ لَا يُرْفَعُ إِلَّا بِأَيْدِي بَصَائِرِ الْبَيَانِ»

اما تفنن<sup>۷۸</sup> آسالیب کلام و تنوع تراکیب نثر و نظام بسیار و بی شمار<sup>۷۹</sup> و تفاوت حالات سخنوران و تباین درجات هنرپروران بحسب مناسبت نفوس<sup>۸۰</sup> و طبایع، در غایت<sup>۸۱</sup> موافقت رسوم و اوضاع بود<sup>۸۲</sup> و به تقبیح و تحسین و نفرین و آفرین به اعتبار مقتضیات مقام در اعتنا و اهتمام بشأن افتراض و اغتنام، هنگام ایراد کلام.

فصل و<sup>۸۳</sup> وصل، تعریف و تنکیر، تقدیم و تأخیر، ابهام<sup>۸۴</sup> و توضیح، کنایت و تصریح، ایجاز و اطناب و خواص افادات<sup>۸۵</sup> و ترکیب در هر باب، جمله برین یک مثل<sup>۸۶</sup> مبتنی، و متکلم، علی الحقیقه، بر رعایت این یک دقیقه، مُعتنی: «وَقَدْ قِيلَ لَيْسَ<sup>۸۷</sup> الْبَلَاغَةُ أَنْ يُطَالَ عِنَانَ الْقَلَمِ؛ وَ شَأْنُهُ<sup>۸۹</sup> بَسْطُ بُرْهَانِ الْقَوْلِ وَ مِيدَانِهِ، بَلْ هِيَ أَنْ تَبْلُغَ<sup>۹۰</sup> أَمْدَادَ الْمُرَادِ بِالْفَاطِ أَعْيَانٍ وَ مَعَانٍ<sup>۹۱</sup> أَفْرَادٍ» و شاعر ماهر، چون<sup>۹۲</sup> به<sup>۹۳</sup> گنه این نکته رسد و بر حيله<sup>۹۴</sup> این قضیه واقف<sup>۹۵</sup> شود، رخساره عبارت او، نضارت گیرد و جمال مقال<sup>۹۶</sup> او، طراوت پذیرد<sup>۹۷</sup>؛ و تا یک بیت او، نایب<sup>۹۸</sup> مناب قصیده [ای] باشد<sup>۹۹</sup> و یک غزل او، واقع موقع دیوانی گردد و به قطعه‌ای، مملکتی اقطاع گیرد<sup>۱۰۰</sup> و به رباعی‌یی، از رُبُع مسکون، خراج ستانند.

قافیه‌سنجان که علم<sup>۱۰۱</sup> برکشند، گنج دو عالم به سخن در کشند

خاصه کلیدی، که در گنج راست، زیر زبان، مرد سخن سنج راست!

مُلَخَّصِ<sup>۱۰۲</sup> این کلمات و مخلص این مقدمات، ذات ملکی<sup>۱۰۳</sup> صفات مولانای اعظم<sup>۱۰۴</sup> مرحوم سعید شهید، مَفخَرُ أفاضل العلماء، استاد نحاریر الأدباء، معدن اللطائف<sup>۱۰۵</sup> الرّوحانیة، مخزن المعارف السُّبحانیة، شمس الملة والدین محمد، حافظ شیرازی، طیب الله تربته و رفع فی العالم القدس رُتبتَه، که اشعار آبدارش، رشک چشمه حیوان و بنات<sup>۱۰۶</sup> آبکار<sup>۱۰۷</sup> افکارش، غیرت حور و ولدان است. ایات دلاویزش، ناسخ سخنان سحبان، و منشآت لطف آمیزش، منسی حسان: <sup>۱۰۸</sup>

کَنْظِمِ الْجُمَانِ<sup>۱۰۹</sup> وَ رَوْضِ الْجَنَانِ وَأَمِنِ الْفُؤَادِ وَ طِيبِ الرُّقَادِ

مذاق وفاق<sup>۱۱۰</sup> عوام<sup>۱۱۱</sup>، به لفظ متین تمکین<sup>۱۱۲</sup> داده و دهان<sup>۱۱۳</sup> جان اصحاب ظاهر را به معنی<sup>۱۱۴</sup>، نمکین داشته؛ ارباب باطن را از سواد او روشنایی افزوده و در هر واقعه، سخنی مناسب حال گفته<sup>۱۱۵</sup> و برای حال هرکسی، معنی بی غریب و لطیف انگیخته و معانی بسیار در<sup>۱۱۶</sup> لفظ اندک خرج کرده و انواع ابداع را<sup>۱۱۷</sup> در درج انشاء<sup>۱۱۸</sup>، درج کرده<sup>۱۱۹</sup>. غزلهای<sup>۱۲۰</sup> جهانگیرش در ادنی مدت<sup>۱۲۱</sup> به حدود اقالیم هندوستان و ترکستان رسیده و قوافل سخنهای دلپذیرش در اقل زمان<sup>۱۲۲</sup> به اطراف و اکناف عراقین و آذربایگان<sup>۱۲۳</sup> سر کشیده<sup>۱۲۴</sup>: «قَدْ هَبَّ هُبُوبَ الرِّيحِ وَ دَبَّ دَيْبَ الْمَسِيحِ بِلْ سَارِ كَسِيرٍ<sup>۱۲۶</sup> الْأَمَالِ وَ سَرِي الْخِيَالِ».



سَمَاعِ صُوفِيَانِ، بِي غَزَلِهَائِي ۱۲۷ شُورَانْگِيزِ او گَرَم نَشْدِي وَ ۱۲۸ بَزْمِ پَادشَاهَانِ، بِي نَقْلِ سَخْنَهَائِي ۱۲۹ ذُوقِ آمِيزَش، زِيْب وَ زِينَتِ نَدَاشْتِي؛ بَلَكه، هَا وَ هُوِي مَسْتَانِ رَا بِي وَلُولَهْ او، شُوقِ ۱۳۰ نَبُودِي وَ سُرُودِ رُودِ مِي پَرِسْتَانِ، بِي غُلْغُلَهْ شَعْرِ او، رُوتَقِ نِيَاْفْتِي. چنانچه شاعری ۱۳۱ گوید:

غزل سرایي حافظ، بدان رسيد که چرخ  
 بَدَادِ دَادِ غَزَلِ ۱۳۳ در بيان، بدان وجهي،  
 نوای زهره و ۱۳۲ رامشگری بهشت از ياد  
 که هيچ شاعر ازین گونه، "دادِ نظم" نداد  
 چو شعرِ عَذْبِ رِوانش ز بَر کُنِي، گویی:  
 هزار رحمتِ حَقِّ، بر رِوانِ حافظ، باد!

یکی ۱۳۴ محافظتِ درسِ قرآن و ملازمتِ شغلِ تعلیمِ سلطان و بحثِ مصباح و کشفِ کشف و مطالعه‌ی مطالع و مفتاح و تحقیقِ قوانینِ ادب و تحسینِ دواوینِ عرب، از جمعِ اَشْتَاتِ غَزَلِیَاتَش، مانع آمدی؛ و از تدوین و اثباتِ اَبِیَاتَشِ وازِعِ گشتی. و مُسَوِّدِ این ورق، عَفَى اللّهُ عَنْهُ مَاسَبَقِ، أَقْلُ الْإِنَامِ مُحَمَّدٌ كُلُّ أُنْدَامِ ۱۳۵ در درسگاهِ دین‌پناهِ مولانا و سیدنا، اُسْتَاذِ الْبَشَرِ، قَوَامِ الْمَلَّةِ وَالْدِّينِ، عَبْدُ اللّهِ، اَعْلَى اللّهِ تَعَالَى دَر جَانَّةِ فِی ۱۳۶ الْعَلِیِّینِ، به کَرَاتِ و مَرَاتِ که ۱۳۷ مذاکره رفتی، در اثنایِ مَجَاوَزَتِ ۱۳۸ گفتی که: دُرِّ این فرایدِ ۱۳۹ فواید را در یک عقد، می باید کشید و این غُرَرِ دُرِّ را در یک سِلک می باید آورد ۱۴۰ تا قِلَادَهٗ جید وجودِ ۱۴۱ اهلِ زمان و تمیمهٔ ۱۴۲ و شاحِ عروسانِ دورانِ گردد ۱۴۳؛ حَوَالَتِ رَفِعِ وَضِعِ ۱۴۴ آن به ناپروایيِ روزگارِ کردی و عذَرِ نَقْضِ آوردی تا در تاریخِ شهورِ سَنَهٗ اِحْدَى ۱۴۵ وَ تَسْعِینَ وَ سَبْعَمَائَهٗ هَجْرِيَهٗ، و دِیْعَتِ حِیَاتِ رَا ۱۴۶ به موکلانِ قضا و قَدَرِ سپرده ۱۴۷، و رَحْتِ وجود از دهلیزِ تَنگِ اَجَلِ بیرون بُرد. روانِ ۱۴۸ پاکش با ساکنانِ عَالَمِ عَلَوِي، قَرِینِ شد و ۱۴۹ پس از مُفَارَقَتِ بدن، همخوابهٔ پاکیزه‌رویانِ حوزِ العینِ گشت.

تاریخ وفاتش ۱۵۰:

به سالِ اَلْفِ ۱۵۱ و صاد و ذالِ اَبجد،  
 به سویِ جَنَّتِ اَعْلَى رِوانِ شد،  
 ز روزِ هَجْرَتِ مِیْمونِ اَحمد،  
 به خاکِ پاکِ او چون برگزیدم،  
 فریْدُ الْعَهْدِ ۱۵۲، شَمْسُ الدِّینِ مُحَمَّدِ  
 چراغِ اهلِ معنی، خواجه حافظ  
 نَگه کَرْدَم صفا و نورِ مَرَقَدِ  
 چو در خاکِ مصلی ساخت منزل،  
 که شمعی بود از نورِ تجلی،  
 بجو تاریخش از خاکِ مصلی ۱۵۳

سوابق ۱۵۴ حقوقِ صُحْبَتِ و لوازمِ عُهُودِ مَوَدَّتِ و تَرغِیبِ عَزِيزانِ باصفا و تَحْرِیصِ ۱۵۵ دوستانِ باوفا که صفحهٔ ۱۵۶ حال، از فروغِ



نور ایشان جمال گیرد و بضاعت افضال، به حُسن تربیت اینان<sup>۱۵۷</sup> کمال پذیرد، حامل و باعث بر ترتیب این کتاب و تبویب این ابواب گشت.

اُمید به کرم واهب الوجود و مُفیض الخیر والوجود، آن، که قایل و ناقل و جامع و سامع و کاتب<sup>۱۵۸</sup> را در خلال این احوال و اثنای این اشتغال، حیاتی تازه و مسرتی بی اندازه، گرامت گرداناد<sup>۱۵۹</sup> و هَفَوَات و عَثْرَات به فضل شامل و عفو کامل درگذراناد. و اِنَّهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاِلٰى اِجَابَةِ جَدِيْرٍ وَاَللّٰهُ الْمَوْفِقُ وَاَلْمُسْتَعَانُ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَحْدَهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاصْحَابِهِ اَجْمَعِيْنَ.

## پی‌نوشت‌ها:

## رسانید

- ۱۹ ق، ن: ان روح القدس نفت فی روعی  
 ۲۰ ق: در دو جهان معطر  
 ۲۱ ق، ن: - را  
 ۲۲ ق: گردانید و سر زلف  
 ۲۳ ق، ن: الا انی اوتیت القرآن  
 ۲۴ ق: پیراست  
 ۲۵ ق: و گردن و گوش خزائن دل‌ها به درر فواید  
 جان فزای و غرر فراید معجز ن: و گردن و گوش دل‌ها را به  
 درر فراید  
 ۲۶ ق، ن: آراست  
 ۲۷ ق، ن: کشور گشای دانایی  
 ۲۸ ق، ن: - و  
 ۲۹ ق: - مکرّم مجتبی  
 ۳۰ ق: + الزاکیات المبارکات ن: صلی الله علیه وآله

## وسلم

- ۳۱ ق: اصفیا  
 ۳۲ ن: کیخسرو  
 ۳۳ س: اولیا؛ نسخه ۸۲۴ سبزه‌پوش یک ورق افتاده و  
 از اول مقدمه تا اینجا را ندارد.  
 ۳۴ ق، ن: دمش

- ۱ ن- حمد بی حد و ثنای بی عد  
 ۲ ق: مر خداوندی را ن: حضرت خداوندی  
 ۳ ق، ن: - را  
 ۴ ن: - و مشیت  
 ۵ ق: - ایوان  
 ۶ ق: نشانه ن: - سبع طباق نشئه  
 ۷ ق، ن: - و  
 ۸ ق: اوست  
 ۹ ن: - ان من البیان  
 ۱۰ ق: تنعم ن: تنعم  
 ۱۱ ن: - آن  
 ۱۲ ق: - بیت ن: نهاد  
 ۱۳ ق: لطف  
 ۱۴ ن: - و  
 ۱۵ ق: بی نهایت  
 ۱۶ ق: بی منتهی و غایات نثار روح پرفتوح و صدر  
 ن: تحیات بی منتهی و غایت  
 ۱۷ ن: جان فدای  
 ۱۸ ق: مسامع سکنه مضله عنبراء و سفره مظله خضرا



- ۳۵ ن: جانش  
 ۳۶ ق، ن: بی کران  
 ۳۷ ن: - و  
 ۳۸ ق: که ن: که تا  
 ۳۹ ق: بر نهاده س: نهاده ن: نهاد در میدان  
 ۴۰ ق: نموده س: نمودند ن: نموده به چوگان  
 ۴۱ س و ن: هنروری  
 ۴۲ ن: سخنرانی  
 ۴۳ ق: مصاقع خطبا و ادباء افاصلی و ادانی در ربودند  
 ۴۴ ن: افاصلی در ربودند  
 ۴۵ ق و س: - و  
 ۴۶ ق: - و صولت  
 ۴۷ ق، س: محمد رسول الله  
 ۴۸ ق: رسانیدند ن: دادند  
 ۴۹ ق، س، ن: سنان لسان و تیغ بیان و «الشعرا تبعهم الغاون از هیبت»  
 ۵۰ ق، س، ن: کلال + و  
 ۵۱ ق، س، ن: مشاهیر ق: در پاورقی آمده: «چنین است دری وحن در اغلب نسخ این سه کلمه بسیار محرف و فاسد است.» (ص ۶۴ مقدمه علامه قزوینی)  
 ۵۲ ق، س، ن: +یرمون بالخطب الطوال وتاره / و  
 حی الملاحظ خیفه الرقباء  
 ۵۳ ق، ن: سپر  
 ۵۴ ق، س، ن: در  
 ۵۵ ق، س: کشیدند که لا یأتون بمثله و لوکان بعضهم لبعض ظهیراً ن: کشنده که لا...  
 ۵۶ ق، س، ن: شعاع  
 ۵۷ ق: - اما بعد  
 ۵۸ ن: رشته  
 ۵۹ ق، س، ن: - و
- ۶۰ ق، س، ن: - و  
 ۶۱ م: مالکان دقایق شعر م: نسخه ۸۳۶ مهدوی از اول مقدمه تا اینجا را ندارد.  
 ۶۲ ق، س، ن: نیست  
 ۶۳ ق، ن: - است  
 ۶۴ م: خویش  
 ۶۵ ق، س: - که  
 ۶۶ ق، س، ن: بضاعت  
 ۶۷ ن: وصیرفی  
 ۶۸ ق: - نیاید ن: به دست نیاید  
 ۶۹ ق: صورتی از آن زیباتر در پرده ن: صورتی ازو زیباتر  
 ۷۰ ق: رخ  
 ۷۱ ق، ن: - و  
 ۷۲ ق: ندانند  
 ۷۳ م، ق: خردمندان  
 ۷۴ ق: نشانند  
 ۷۵ م: کامل ق: جوهریان عاقل  
 ۷۶ م: - سخن  
 ۷۷ م، ق، ن: آن فرود آمدی به جای سخن س: زآسمان آمدی به  
 ۷۸ م: نفس  
 ۷۹ ق، ن: بی شمارست و  
 ۸۰ ن: محاسبت نفوس و طباع ق: نفوس و طباع  
 ۸۱ ق، س، ن: و رعایت موافقت  
 ۸۲ ق: این عبارت را ندارد «و به تقبیح ..... این یک دقیقه معنی» س: در تقبیح ن: و تقبیح  
 ۸۳ ن، س: درهمه موارد او عطف ندارد  
 ۸۴ س، ن: ایهام  
 ۸۵ ن: افادت در هر باب س: افادت جمله در هر



باب

۸۶ م: برین یک باب س، ن: برین یک مساله

۸۷ ق: لیست

۸۸ در نسخه ما {یطاول} که به نظر می رسد کاتب

روی واو خط کشیده

۸۹ ق: واسنانه اویسط

۹۰ ق، ن: یبلغ امد المراد

۹۱ در نسخه ما «وامعانِ افرادِ»

۹۲ ق: که به کنه

۹۳ م: بر

۹۴ ق، س:، جلیه ن: جلیه

۹۵ ن: واقع

۹۶ ق: مقالت

۹۷ ق: پذیرد تا به جایی رسد که یک بیت

۹۸ م: قائم مقام قصیده ای و یک ...

۹۹ ق: شود

۱۰۰ ق: و از قطعه ای مملکتی اقطاع یابد ن: اقطاع

یابد

۱۰۱ م، ق: که سخن برکشند ق: چو قلم

۱۰۲ ق: و بی تکلف مخلص این کلمات ن: مخلص

این کلمات و مخلص س: مخلص این کلمات و مخلص

۱۰۳ ق: ذات ملک صفات مولانا الاعظم السعید

المرحوم الشهید مفخر العلماء

۱۰۴ ن: مولانا معظم

۱۰۵ ن: الطاف

۱۰۶ م: نبات ن: بنان

۱۰۷ ق، س، ن: - ابکار

۱۰۸ س: منسی حسان حسان ق، ن: منسی

احسان حسان

۱۰۹ نسخه پنجاب: کنظم الجنان و روضه الجنان؟

۱۱۰ ق: - وفاق

۱۱۱ م: مذاق وفاق عوام را به لطف متین تمکین داده

ن: عوام را به لطف متین شیرین کرده س: لطف متین

شیرین کرده

۱۱۲ ق: شیرین کرده

۱۱۳ ق: ودهان خواص را به معنی مبین نمکین

داشته هم اصحاب ظاهر را بدو ابواب آشنایی گشوده و

هم ارباب باطن را از او مواد روشنایی افزوده در هر واقعه

ای سخنی مناسب حال گفته و برای هر معنی لطیف غریبه

ای انگیخته و معانی بسیار .... ن: دهان جان خواص به

معنی مبین، نمکین داشته اصحاب ظاهر را بدو ابواب

آشنایی گشوده و هم ارباب باطن را از او مواد روشنایی

افزوده

۱۱۴ م: معنی مبین تمکین داشته ارباب باطن را از او

مزاد روشنایی افزوده در هر واقعه ای سخنی مناسب حال

.. و برای هر معنی، لطیف غریبه ای انگیخته

۱۱۵ ن: انگیخته و برای هر کسی معنی غریب لطیف

گفته

۱۱۶ ق: به لفظ س: معانی بسیار در الفاظ اندک

خرج کرده

۱۱۷ ق: - را

۱۱۸ س، ن: انشا و انشاد درج کرده

۱۱۹ ق: «در نسخه های متاخر که مُصدّر به مقدمه

جامع دیوان حافظ است و علامه قزوینی از روی آنها

مقدمه جامع را تصحیح فرموده مطالبی از صفحه ۶۸ تا

اواسط صفحه ۷۱ مندرج است که در هیچ یک از دو نسخه

کهن «گ» و مهد نیست و معلوم و روشن می شود که

الحاقی است و علامه قزوینی این حقیقت را در ذیل

مطالب الحاقی متذکر شده و احتمال الحاقی بودن آنها را

داده است.» (جلالی نایینی، ۱۳۷۲: ۵۲)



۱۳۵ ق: علامه قزوینی در پانوشت این جمله آورده « در هفت نسخه از یازده نسخه خطی که دارای این مقدمه میباشند بعد از جمله دعائیه «عفی الله عنه ماسبق» مطلقا اسمی از مولف این مقدمه برده نشده» (صفحه ۷۲ مقدمه نیز: صفحه ۵۳ مقدمه نورانی وصال و جلالی نایینی) ن: عفی الله تعالی عنه  
 ق، ن، م، س: - اقل انام محمد گندام  
 ۱۳۶ ق: فی اعلی علیین  
 ۱۳۷ ق، س، ن: که به مذاکره رفتی  
 ۱۳۸ ق، ن، س: محاوره  
 ۱۳۹ م: که این فواید فراید را همه در یک عقد می باید کشید ق، ن: که این فواید فراید را همه س: که این قول پر فواید را همه در یک عقد  
 ۱۴۰ ق، م، ن، س: پیوست  
 ۱۴۱ م: وجوه  
 ۱۴۲ م: تا قلاده جید وجوه اهل زمان ونسیمه وشاح عروس دوران گردد ق: تمیمه وشاح در متن نسخه ما : وشاه؟  
 ۱۴۳ ق: گردد آن جناب حوالت  
 ۱۴۴ ق: رفع ترفیع این بنا بر ناراستی روزگار کردی وبه غدر اهل عصر عذر آوردی تا در تاریخ سنه اثنی وتسعین وسبعمائنه ودیعت حیات به موکلان قضا وقدر سپرد س: دفع ومنع آن ... ونقص وغدر اهل عصر عذر آوردی ن: دفع وضع به ناپروایبی ن: - ونقص وغدر  
 ۱۴۵ س، ن، م: احدی وتسعین وسبعمائنه  
 ۱۴۶ ق، س، ن: - را  
 ۱۴۷ ق، س، ن: سپرد  
 ۱۴۸ ق: وروح پاکش ن: وروان  
 ۱۴۹ ق: وهمخواه ن: - وپس از مفارقت بدن  
 ۱۵۰ م، ن: - عنوان ن: بیت س: نظم تاریخ وفات

۱۲۰ ق: رواحل غزلهای  
 ۱۲۱ ق: مدتی به اقصای ترکستان و هندوستان رسیده ن: در ادنی مدتی به حدود اقلیم ترکستان و هندوستان رسید  
 ۱۲۲ ق: زمانی  
 ۱۲۳ ق، س: آذربایجان کشیده  
 ۱۲۴ ن: آذربایجان کشید  
 ۱۲۵ م، ق: قد هب هبوب الريح ودب ديبب المسيح بل سار مسير الامال وسرى سرى الخيال  
 ۱۲۶ ن، س: سار سیر الامثال وسرى سرى الخيال  
 ۱۲۷ ق، ن، س: غزل  
 ۱۲۸ ق: و مجلس می پرستان بی نقل سخن ذوق آمیز او رونق نیافتی غزل سرایی حافظ ....  
 ۱۲۹ م، ن: سخن ذوق آمیز او زیب  
 ۱۳۰ ن، س: بی ولوله شوق او م: ذوق ن: سرود و رود می پرستان بی غلغله عشق او  
 ۱۳۱ ن، س: شاعر گوید  
 ۱۳۲ ق: به  
 ۱۳۳ س: داد بیان در غزل بدان ق: داد سخن ن: - بیت  
 ۱۳۴ م: بلی ملازمه درس قران وملازمه شغل تعلیم سلطان و تحشیه کشف ق: اما بواسطه محافظت درس قران و ملازمت بر تقوی و احسان و بحث کشف ومفتاح مطالعه و مطالع و مصباح وتحصیل قوانین ادب وتجسس دواوین عرب به جمع اشتات غزلیات نپرداخت وبه تدوین واثبات ایبات مشغول نشد س: بلی محافظت ..... سلطان وتحشیه کشف ومفتاح ومطالعه مطالع ..... وتحصین قوانین ادب وتحسین دواوین عرب ن: بلی محافظت درس قران و ملازمت تعلیم سلطان و تحشیه کشف ومفتاح



در اینجا مقدمه ۸۳۶ق به پایان می‌رسد ق: گرداند و  
عشرات را به فضل شامل و لطف کامل درگذراند «انه علی  
ذکر تقدیر و بالا جابه‌جایی س: و هفوات و عشرات و زلات را  
به فضل شامل و لطف کامل و عفو کافل درگذراند «انه علی  
ذکر قدیر و الحمد لله حق حمد و الصلوه والسلام علی  
خیر خلقه محمد و آل و عترته اجمعین و سلم تسلیم» ن:  
گرداند و هفوات و عشرات را به فضل شامل و عفو کامل در  
گذراند «انه علی ذکر قدیر

۱۵۱ ن، س، م، ق: به سال با و صاد و ذال ابجد  
۱۵۲ س: فرید عصر  
۱۵۳ ن، س، م، ق: - دو بیت آخر  
۱۵۴ ق: و بعد از مدتی سوابق حقوق  
۱۵۵ م: تخصیص ن، س: تحریض و تحضیض  
۱۵۶ ق: ق: که صحیفه حال از فروغ روی ایشان  
۱۵۷ ن، س، ق: ایشان  
۱۵۸ ن، س، ق: - کاتب  
۱۵۹ م: گرداند «انه علی ذکر قدیر» نسخه م:

### نتیجه‌گیری:

با توجه به مقابله نسخه دانشگاه پنجاب با سایر نسخ در مقدمه جامع، ۱۵۹ مورد دگرسانی وجود دارد؛ هر چند سعی ما در این مقاله بر این بوده تا درباره این دگرسانی‌ها داوری نداشته باشیم اما گاه ضبط نسخه دانشگاه پنجاب بر سایر ضبطها برتریایی دارد که در متن مقاله، به برخی از آنها اشاره شده است. در مجموع:

- نسخه دانشگاه پنجاب به لحاظ ذکر نام جامع در مقدمه او بر دیوان حافظ، اولین و قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که تا به حال، به صراحت نام محمد گل اندام را بعد از عبارت «مُسَوِّد این ورق...»، با تعبیر «اقل انام، محمد گل اندام» آورده است.  
- نسخه مزبور، اولین و قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که در متن مقدمه جامع، تاریخ وفات حافظ، هم به صورت عددی و هم به صورت ماده تاریخ، ضبط و یکسان است: سال ۷۹۱ق. اما در نسخ دیگر، شاهد ناهمسانی و اختلاف در عدد عربی و ماده تاریخ هستیم.

### عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## کتابنامه

بشیر حسین، محمد (۱۹۶۸ م) فهرست مخطوطات شیرانی، چاپ اول، جلد اول، لاهور، اداره تحقیقات دانشگاه پنجاب حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۲) دیوان، به تصحیح محمد رضا جلالی نایینی و محمد رضا نورانی وصال، چاپ اول، تهران، سخن

حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۵) دیوان، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، دو جلد، چاپ دوم، تهران، خوارزمی  
حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۷) دیوان، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ هفتم، تهران، اساطیر  
حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۹۴) دیوان (کهن ترین نسخه شناخته شده کامل) نسخه برگردان دستنویس ۵۱۹۴ کتابخانه نور عثمانیه استانبول، کتابت ۸۰۱ ق، به کوشش بهروز ایمانی، تهران، میراث مکتوب  
حافظ، شمس الدین محمد (۲۵۳۶) دیوان، به تصحیح رشید عیوضی و اکبر بهروز، چاپ اول، دانشگاه تبریز  
حافظ، شمس الدین محمد، دیوان، دستنویس شماره ۴۶۱۳/۱۵۶۳، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور، نستعلیق، ۸۳۶ ق، ۲۷۸ برگ

ریاحی، محمد امین (۱۳۷۴) گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، چاپ دوم، تهران، علمی  
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴) از کوچه رندان، چاپ نهم، تهران، سخن  
شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۹۷) این کیمیای هستی، ۳ جلد، جلد اول، چاپ اول، تهران، سخن  
صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳) تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دهم، جلد ۳/۲، تهران، فردوس  
طهرانی، آقابزرگ (۲۰۰۴ م) الذریعه الی تصانیف الشیعه، جلد ۲۲ و جلد ۷ قسم الاول، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء  
فردوسی، علی (۱۳۸۷) غزلهای حافظ (نخستین نسخه یافت شده از زمان شاعر؛ گردآوری علامرندی) چاپ اول، تهران، دیبایه

محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۶۰) تحقیقی در تاریخ وفات حافظ، مجله آینده، سال هفتم، فروردین واردیبهشت، شماره ۱ و ۲، صص ۲۵-۳۱

مدرس رضوی، میرزا محمد علی (۱۳۷۴) ریحانه الادب، جلد ۲، تبریز، انتشارات خیام .  
نیساری، سلیم (۱۳۸۵) دفتر دگرسانی ها در غزلهای حافظ، دو جلد، چاپ اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
نیساری، سلیم (۱۳۹۷) تبصره ای بر تدوین غزلهای حافظ، چاپ دوم، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
وفایی، محمد افشین (۱۳۹۷) «گل اندام، محمد»، دانشنامه حافظ و حافظ پژوهی، جلد چهارم، چ اول، تهران، نخلستان پارسی.

وفایی، محمد افشین (۱۳۹۴) «قصیده محمد گل اندام دوست و همدرس حافظ» نشریه بخارا، (درحاشیه ایران شناسی

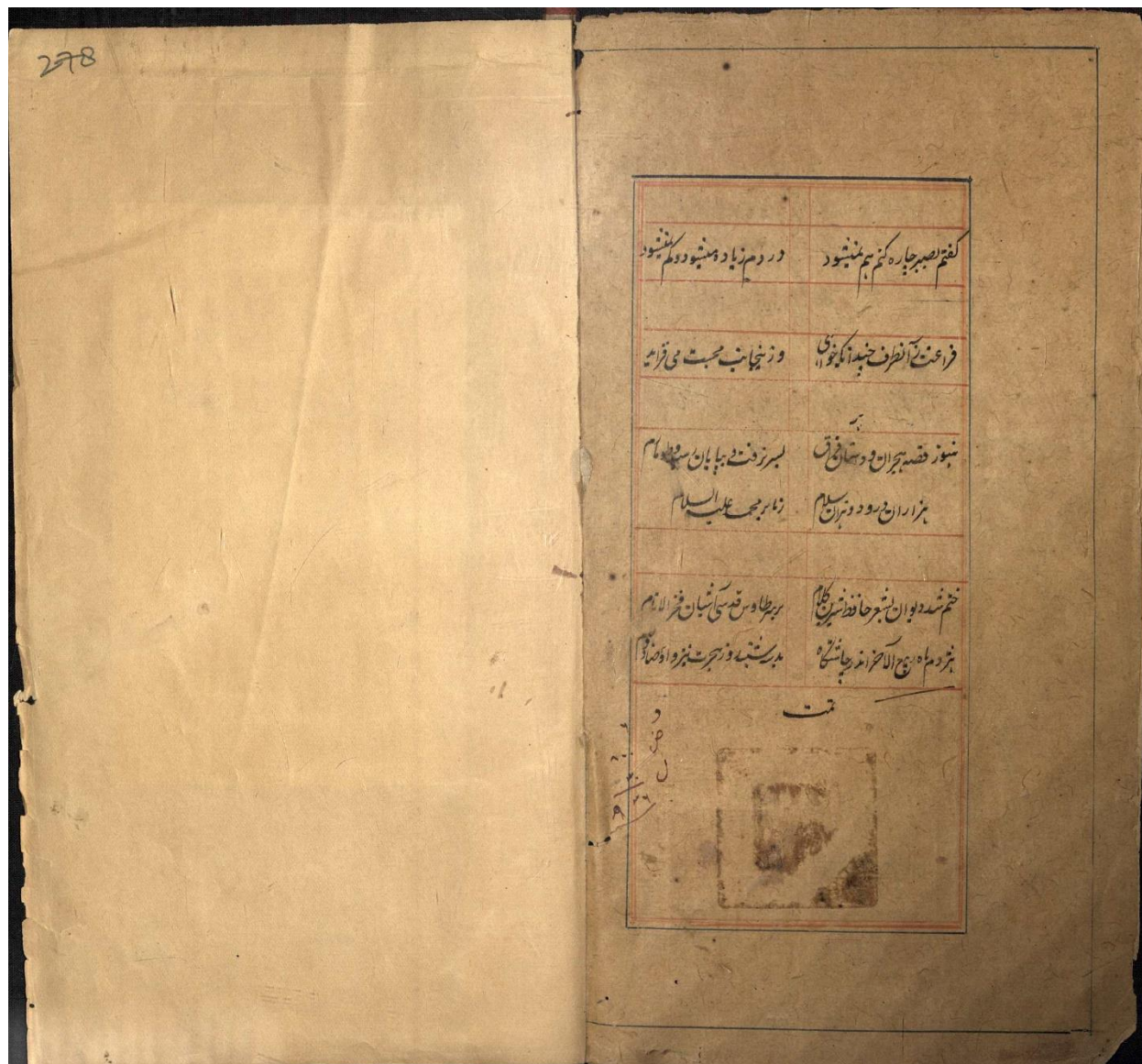


۲) ش ۱۰۵، فروردین واردیبهشت، صص ۳۱۹-۳۳۶.

### پیوست‌ها



تصویر آغاز نسخه خطی دیوان حافظ محفوظ در کتابخانه دانشگاه پنجاب شهر لاهور کشور پاکستان



تصویر انجام نسخه خطی دیوان حافظ نسخه دانشگاه پنجاب شهر لاهور کشور پاکستان